



تک شماره ۱۵ ریال

# دوران تاریخی ما و سمت عمده مبارزه خطر مکنون را بدرستی و بموقع ببینیم و بشکل موثر با آن مبارزه کنیم!

به آن نمی‌توانند و نباید لایق و بی‌طرف بمانند.  
هواداران توری «سه‌جهان» ساخت رهبری مائوئیستی چینی-صرف‌نظر از اینکه این هواداری تاجه اندازه جدی و صادقانه است- دعوی می‌کنند که گویا «دوایر قدرت» شوروی و آمریکا «عین هم‌هستند، منتها یکی امپریالیستی است و دیگری «سوسیال» امپریالیستی، و رقابت آنها، رقابتی است بر سر سیطره‌یابی بر جهان، و در این میان، چون شوروی یک ابر

سیستم سرمایه‌داری جهانی (دور مرکز آن ایالات متحده آمریکا)، لذا مبارزه‌ای که اکنون بین اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا می‌گذرد، مبارزه «دوایر قدرت صنعتی» همانند نیست که خلق‌های کوچک مانند ما، هر دو قطب این مبارزه را هم‌تا و هم‌راز تلقی کنند و نسبت بدان لایق‌باشند. این مبارزه‌یست که در آن تناقض اساسی جامعه بشری، تناقض کار و سرمایه، تناقض بهره‌کشان و بهره‌دهان، تناقض عدالت و ظلم منعکس شده و خلق‌ها

فرد از فرد و خلق از خلق، به نظام سوسیالیستی است، یعنی نظامی که پایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این بهره‌کشی را بتدریج می‌زداید و جوامع انسانی را از جنگ‌ها و تناقضات مختلف می‌رهاند و برای مبدل شدن به یک جامعه جهانی متحد و برادر آماده می‌سازد. مسئله مرکزی دوران، در نتیجه خصیصه انسانی‌اش، بناچار عبارت میشود از برود سوسیالیسم و سرمایه‌داری، یعنی: بین سیستم سوسیالیستی جهانی (و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی)

برای بی‌بردن به واقعیت رویدادهای کشور ما، باید دو محور مهم «مشخصات دوران معاصر تاریخی» و «مشخصات مرحله کنونی انقلاب ایران» را در نظر گرفت. هر تحلیلی، هر دیدی، که از فراسوی این دو محور، به رویدادها بنگرد، واقعیت آنها را نخواهد فهمید، در سطح خواهد غلطید، و بودنمود، سرشت و پدیده را، مخلوط خواهد کرد.  
خصیصه اساسی دوران کنونی انتقال تدریجی جامعه بشری از نظام سرمایه - داری، آخرین نظام مبنی بر بهره‌کشی

## آقای دکتر کریم سنجابی! با انکار حقیقت نمی‌توان اعتبار سیاسی کسب کرد!

توانسته‌اند، پرچم حزب توده ایران را، پرچم مبارزه در راه آزادی، استقلال، رفاه و زخم‌کشان و پیشرفت جامعه ما را تا امروز برافراشته نگه دارند. پشوتانه مبارزه تنها چند نفر از رهبران، ۲۲۰ سال زندان است. این جهت تاریخ است و نه آقای دکتر سنجابی و نه هیچ‌کس دیگری نمیتواند منکر آن شود.

ایران را، در سخنرانی ۴ شنبه بعد از ظهر خویش، در کلوب جبهه ملی، با وجود رساندن و بلکی منکر فعالیت و پیکار حزب توده ایران در مبارزه علیه رژیم شاه مخلوع شد و از دیرین اول کمیته مرکزی حزب ما سؤال کرد، «آقای کیانوری، وقتی انقلاب آغاز شد، شما کجا بودید... و برای انقلاب تا حالا چه کردید؟»

آقای دکتر کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی ایران، که یکی از رجال با سابقه و بلکی منکر فعالیت و پیکار در گفتگوهای اختصاصی با خبرنگار سیاسی روزنامه اطلاعات، کوشید، فعالیت جبهه ملی ایران را که «بزع گروهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اگر نکوبند کاملاً معوق شده بود، ولی بدلیل شرایط خاص سیاسی به سکوت و انزوا و کم‌کاری کشیده شده است»، تشریح کند و به «نسل تازه وارد این ۲۵ سال، که از فعالیت‌های گذشته آن بسیار بی‌خبر است،

البته اگر این سؤال را رهبران گروه‌های چپ رو و چپ نما و یا کسانی که سن آنها اقتضای اظهار نظر تاریخی نمیکند، به پیش میکشیدند، جای شکستی نبود. ولی آقای دکتر کریم سنجابی، که از بدو تاسیس حزب توده ایران در ۳۸ سال قبل، با مبارزات خونین حزب توده ایران و هجوم ارتجاع و امپریالیسم علیه آن آشناست، چرا چشم روی حقیقت می‌بندد؟

این سؤال درازجلی به پیش میکشد که در تمام دوران رژیم شاه خائن، برخلاف رهبران حزب ما، از مزایای زندگی در ایران برخوردار بوده، و در زمانی که ایشان، حتی در روزهای آخر زندگی شاه مخلوع در ایران، «به حضور شاه‌شاه آریامهر باری می‌یافتند، رهبران حزب ما، در چند هزار کیلومتری شاه مخلوع، از نوسطنه‌های او و دستکاه جاسوسی ساواک و سیا در امان نبوده‌اند.

(اطلاعات چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸) آقای دکتر سنجابی در این گفتگو از آخرین باری که خویش در روزهای آخر زندگی شاه مخلوع در تهران هم سخن گفت. مسافرت آقای دکتر سنجابی، در این گفتگو، که هدفش «مطلع کردن نسل بی اطلاع از مبارزات جبهه ملی ایران» بود، به اتهام و دشنام علیه حزب توده ایران نیز دست زد. آقای دکتر سنجابی این روش نامعقول و نفی مبارزات حزب توده

آقای دکتر سنجابی بخوبی میداند که حزب توده این در زندان رضا شاه و مختاری پایه گذاری شد و باز بخوبی میداند که حزب توده ایران تنها هشت سال امکان فعالیت علنی داشته و در این ۸ سال هم لحظه‌ای از یورش ارتجاع و امپریالیسم در امان نبوده است. حزب ما اولین سازمانی بوده است که بعد از هریورش ارتجاع و امپریالیسم، چه به مدت ۱۳۲۷ و چه به مدت از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سکوت مرگبار ساخته ارتجاع و امپریالیسم را، با انتشار «مردم» و اعلامیه‌های حزب شکسته و لحظه‌ای از صحنه مبارزات سیاسی ایران بدور نبوده است. لاقول دشمنان و ستم‌رادیو تلویزیون و جراید زیر نظر ساواک در این مدت ۲۶ سال مبعوانست برای آقای دکتر سنجابی کافی باشد، که چنین منکر حقیقت نگرددند.

اعضاء و رهبران حزب ما، با سرک، شکنجه، زندان، تبعید و مهاجرت روبرو بوده‌اند، ولی در هر حال با فعالیت و پیکار خستگی ناپذیر خود

این روزها سخن از عملکرد دادگاه‌های انقلاب فراوان است، و موافق و مخالف در این باره نظر می‌دهند. موافقان این دادگاه‌ها را ستون فقرات انقلاب می‌دانند، که در استواری انقلاب و ادامه راه آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. اینان عمل دادگاه‌ها را می‌ستایند و از آن‌ان سرعت عمل بیشتر و قاطعیت بیشتر می‌خواهند، اما مخالفان، که عمل قاطع این دادگاه‌ها را موافق مصالح طبقاتی شان نیست و یا با طبع محافظه کارشان جور در نمی‌آید، درباره دادگاه‌ها بر این نظر دارند، «از تندروی» آنها سخن می‌گویند و مدام مسئله عفو عمومی را پیش می‌کشند. امپریالیسم و ارتجاع نیز در این میان، برای بیرون کشیدن عوامل خود از زیر ضربه انقلاب و جاسوگری از اجرای عدالت انقلابی، خود را در میان صفوف مخالفان جازده و دادگاه‌های انقلاب را به اشکال و شیوه‌های گوناگون تخطئه می‌کنند.

حزب توده ایران در بدترین شرایط ترو، چه بوسیله رادیو بیسک ایران، «آوای بی‌بهره مردم ایران» و چه بوسیله انتشارات خویش و چه از راه شرکت در مبارزات عملی مردم، در صحنه سیاست ایران حضور داشت و به تبلیغ، ترویج و تجهیز مردم علیه رژیم خائن شاه و امپریالیسم پشتپان آن می‌پرداخت، جرأت انکار این حقیقت را تنها کسانی دارند که میخواهند با تخطئه کردن مبارزات دیگران، سترون بودن خویش را سرپوش کنند. اگر ششده حقیقت از ما تلخ است، لاقول از زبان آقای علی اصغر حاج‌سیدجوادی بشنوید که در نشریه «جیش» شماره ۵، قبل از انقلاب، نوشت:

### آیا فقط کسانی که شکنجه و کشتار کرده‌اند، مجرم‌اند؟

های بیشمار در حق مردم ما دست زده است. خیانت و جنایت رژیم پیشین در حق مردم تنها شکنجه و آدم‌کشی و امحاء آزادی و تحمیل استبداد نیست، بلکه تبعیت از امپریالیسم، محو استقلال کشور، غارتگری

### رویدادهای ایران

«پرفسور مکر: ایران غیر متعهد خواستار همزیستی مسالمت آمیز و روابط دوستانه با همه دول است»  
«از مداخله در امور دولت، چه کسی و چرا ناراضی است؟»  
«زخم‌کشان نمیتوانند قسط و اما را بپردازند»  
«کاخ‌های خاندان پهلوی باید برای خدمت به مردم مورد استفاده قرار گیرد»  
«خائن به خلق با هشیاری پاسداران دستگیر شد»  
«عکس شاه مخلوع روی شیشه بانکها

## دعوت عام حزب توده ایران

از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب و همه افراد مترقی و ضد امپریالیست برای شرکت در راهپیمایی بمناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۳۲»

حزب توده ایران، از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب، همه افراد مترقی و ضد امپریالیست دعوت میکند در مراسم راهپیمایی بزرگی که بیاد روز تاریخی پانزدهم خرداد انجام میگردد، همراه دیگر گروه‌های سیاسی شرکت جویند.

ارزیابی ما در مورد جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی و خلقی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از همان روز وقوع حادثه، بشهادت اسناد و مدارک متعدد روشن است. دشمنان و مخالفان حزب ما میکوشند به حزب ما افترا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران جنبش ضد استبدادی و ضد استعماری پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را، که تحت رهبری امام خمینی صورت گرفته، در موقع خود تخطئه کرده و آنرا یک حادثه «ارتجاعی» دانسته است.

روزنامه «مردم» از گان مرکزی حزب، در ضمیمه خاص مورخ شنبه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲» اسناد سخن میگویند، فتوکپی مقالات متعدد منتشره در روزنامه «مردم»، مورخ اول تیر ماه ۱۳۴۲، پانزده خرداد ۱۳۴۳، پانزده آذرماه ۱۳۴۲ و مجلات دنیا مورخ بهار ۱۳۴۲ و بهار ۱۳۴۳، در دفاع از جنبش پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و در پشتیبانی از امام خمینی تکثیر کرده است. اینها اسناد کوبنده ایست که افتراگویان را بشما غناصر مفرض و بی مسئولیتی که از هیچ دروغ بزرگ پروا ندارند، برلامیکند. ما از خوانندگان گرامی مصرأ خواستاریم که این ضمیمه را، که در مقیاس وسیع پخش شده است، بدست آورند و بخوانند و به گوشه‌های از بهانه‌های گستاخانه دشمنان و مخالفان حزب ما بی بریند.

از آنجا که ضد انقلاب در برده و بی‌برده میکوشد تا در مقابل رهبری قاطع امام خمینی صف‌بندی کند و این رهبری را تضعیف و منفرد نماید، و از آنجا که به عقیده راسخ حزب ما، تقویت این رهبری ضد امپریالیستی و خلقی، در شرایط کنونی، ضرورتی است انکار ناپذیر، لذا حزب ما تصمیم گرفته است که بجای دست زدن به راهپیمایی جداگانه، با شرکت در راهپیمایی دعوت شده از جانب گروه‌های اسلامی، همبستگی خود را با پیروان مشی انقلابی امام خمینی متجلی سازد.

## توطئه امپریالیسم به نام «دفاع از حقوق خلقهای ایران»

باید افشاء و سرکوب شود  
زمنه‌هایی که از جنبش پیش‌دربار به فعالیت بهیانی ضد انقلاب در خوزستان شنیده میشد، سرانجام زیر عنوان «مساله خلق عرب» واقعیت خود را نشان داد. خرمشهر به دست عمال امپریالیسم و ارتجاع به میدان جنگی مبدل شد، که طی آن دهها نفر از مردم وطن ما شهید و مجروح شدند.  
امپریالیسم که از انقلاب مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد، به شیوه‌های گوناگون از عسایر برای سرکوب جنبش ضد

با شرکت وسیع در مراسم یادبود ۱۵ خرداد، از انقلاب ایران دفاع کنیم و اراده خلق را بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، متجلی سازیم





# در نمایشگاه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کونی مبارزان را با آنها که جان در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جووانان پرشور و مبتکر که نقش عمده را در دگرگونی سازمان این نمایشگاه به عهده داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان طی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زو و دانشجوکارگر، مسلمان و بازاری، سالخورده و جوانان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود، آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز بهیح تفسیری نباشد.

نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرقی می‌کند؟

با وارطان وشوشتی آشنا بودم.

نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر مهربانی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.

من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سؤال دیگر، دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود، آیا صحبتی دارید با گروههای دیگر و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین سئوال بسیار حاد و جاس کسوفی جا، ما داده‌اشده، بسی آموزنده است.

بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.

تنها از طریق متشکل شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.

در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بنفع خلق است.

بقیه از صفحه ۱.

## توطئه امپریالیسم

ایران و حق آنها برای تعیین سرنوشت خویش، امپریالیسم، که در دوران آقاسی خود در ایران، توسط رژیم شاه مخلوع، هر گونه حق طلبی خلق‌های ایران را پورحمانه با سم «تیز به طلبی» سرکوب میکرد، حالا زیر همین نقاب، دست به آشوب و توطئه می‌زند. امپریالیسم با شایبه پراکنی چنین وانمود می‌کند که ملیت‌های ایران، در ایران انقلابی، از هیچ حقی برخوردار نخواهند بود. خاموشی دولت در این باره، به تمویق افتادن انتشار قانون اساسی جدید هم زمینه را برای گسترش شایبه و دامن زدن به آن آماده می‌کند و باین ترتیب هر چند گاه یکبار در گوشه‌ای از ایران آتش جنگ و برادر کشی افروخته میشود.

وقایع حاد ایران، بعد از پیروزی انقلاب، اغلب از همین سرنوشت چشمه آب میخورد. کردستان، گنبد، قنده و اکون خوزستان، به بهانه حق ملیت‌ها، به آتش و خون کشیده شده است. نگاه‌های جزئیات ماجرا، که کم‌وبیش از طریق روزنامه‌های خبری به اطلاع مردم رسیده، نشان دهنده این واقعیت است که این بار توطئه در خوزستان انجام گرفته است.

امپریالیسم بانکی، که انقلاب شکوهمند مردم ما موضوع آنرا در ایران درم شکسته، اکنون با تمام نیرو و در همه جا بویژه در خوزستان سرگرم فعالیت است. از آنجا که نیروهای مسلح خلق که در اکثریت خود زیر پرچم اسام خمینی متحد هستند، راه هر کودتایی را بر امپریالیسم بسته‌اند. دشمن در کار ایجاد شکلی بین نیروهای مختلف و رود رو قرار دادن آنهاست. تشدید چنین وضعی،

## در حاشیه کمک‌هایی که به حزب می‌شود

خاطره یک رفیق شهید، یا صداقت در امانت، یا گرامیداشت یادیدر، یا وفاداری بیک اصل راهم‌ای اخلاقی، در زندگی مقلاتی هستند که هرگز بهیچ نوع نمیتوانند با رقم وعده و یا بطریق اولی با پول مقایسه شوند. ولی گاه اتفاق می‌افتد که بعنوان مظهر و نمونه‌ای، یک رقم یا یک کمک مالی، میتواند حقیقتی بزرگ را نشان دهد، نه آنکه آنرا ارزیابی کند و برابر نهی نماید، بلکه تنها آنرا در قلب بدر منقذ زنده کند، محرکی و مشوقی باشد، برای ادامه راه.

«مردم» با چند نمونه از این رابطه شمارا آشنا سازد، درمستان سال ۵۵ بود که رفیق حسین پرورش، عضو گروه مشفق از چریک‌های فدائی خلق، که راه حزب توده ایران را برگزیده بود، در یک درگیری نا برابر، در خیابان قزوین، پل امامزاده معصوم، بدست عمال چنیاتیکر ساواک شاه سابق به شهادت رسید. حسین پرورش در رودس، در خانواده یک فرهنگ‌ی تولد یافته بود و دبیرستان را در قزوین به پایان برده و فارغ‌التحصیل مهندسی شیمی از دانشگاه و از سازمان دهندگان کوهسوردی دانشگاه بود. وی دوره سربازی را در نظر آباد گذرانده و در آبیگ معلم ده بود و از محبوبیتی بسی نظیر بین همه مردم برخوردار آمد. او در سیمان آبیگ کار میکرد، معصوم برادر کوچکتر حسین پرورش درمستان ۵۳ شهید شده بود. و خود حسین، در تابستان ۵۳، ناچار زندگی مخفی اختیار کرد تا بتواند در مقابل عمال رژیم دست نشانده و استبدادی بر زمین، او را دست رزم را یافت و بسوی حزب طبقه کارگر آمد و با جمعی از دوستان خود، گروه مشفق از چریک‌های فدائی خلق را تشکیل داده بجاده نبرد اصولی توده‌ای کام‌نهاد، ولی جلاخان رژیم با چندین مجالی ندادند

تا همه انرژی جوشان و استعداد بزرگ سازماندهی‌اش را در خدمت خلق و همین بگل بندد، و درمستان ۵۵ او را بقتل رساندند.

حسین پرورش هر جا که رفته و مانده و کار کرده و فعالیت سیاسی نموده بود، از سر بازخانه تا دانشگاه، از دبیرستان تا کارخانه، و همچنین در میان کوهسوردان دانشجو یا خانواده‌های دهقان، که او را بهترین و دلسوزترین معلم فرزندان خود میدانستند و مدرسه‌ایر ایتامش کرده‌اند و البته در میان همکاران و همسر زمان صدیق و از جان گذشته‌اش، که هنوز هم وقتی نام او را می‌شنوند، عقده‌ای در گلو حس میکنند و مشت خود را بسختی می‌فشارند، به شدت محبوب بود. این خاطره و یاد را با هیچ چیز نمیتوان برابر نهاد. عده‌ای از دوستان و نزدیکان حسین پرورش، بیاد دوست خود مبلغ پانصد هزار ریال گرد آورده و بحزب پرورشها داده‌اند این عمل نه فقط کمک مهم مالی است بلکه زنده کردن یاد شهید هم است، تحکیم عهد خود با خاطره دوست است و ایمان باین حقیقت هم است، که اگر حسین پرورش امروز هم دل میان ما بود، دوستانش را به اجرای این وظیفه نیز دعوت میکرد.

سریک رفیق حزبی، قبل از ۲۸ مرداد ۳۲، در منزل خود اطاقی را در اختیار حزب قرار داده بود تا مورد استفاده رفقای نیازمند قرار گیرد. در این اتاق، بعد از ۲۸ مرداد نیز رفقای که زندگی مخفی داشتند، مدتی زندگی کرده بودند. اثاثیه بسیار محسوف اتاق، یعنی رختخوابی و زیلوئی و نظایر آن متعلق بحزب بود. پس از مدتی، بسبب شرایط سخت فاشستی آن‌زمان و قطع ارتباطات، این اتاق بلااستفاده ماند. رفیق صاحب خانه، اثاثیه اتاق را بمبلغ یک هزار ریال می‌فروشد. ... امروز، ۲۵



پوستر فوق را، رضا اولیاء هنرمند متربی، به مردم و خوانندگانش هدیه کرده است.

شادی مطبوعات امپریالیستی غرب از وقایع خرمشهر و خبرهای سراپادروغ آنهاهم نقشه‌های امپریالیسم را در خوزستان لو داد.

حزب توده ایران، که هم در بر نامه‌های سیاسی خود و هم به مناسبت‌های دیگر حق خلق‌های ایران را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت شناخته و این حق را جزء لاینفک ایرانی مستقل و دمکراتیک دانسته است، ضمن تأیید مجدد این حق، توطئه‌های امپریالیسم را زیر این نام محکوم میکند و اعتقاد دارد که با اعلام هر چه زودتر قانون اساسی جدید، که در آن حق خلق‌های ایران و فرهنگ‌ها و چهارچوب اختیاری اداری و فرهنگی هر چهارچوب استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران برسمیت شناخته شده باشد، تصویب آن توسط نمایندگان مردم، راه بر توطئه‌های امپریالیستی بسته خواهد شد.

سال بعد از آن، وی این مبلغ را، که در ربع قرن نزد خود بامانت نگاه داشته بود، می‌آورد و بسندوق حزب تحویل میدهد.

بوست و بیست و پنج سال تمام، نه فقط مال، حزب، که بسی معطر و ناچیز بود، بلکه «خود حزب» در نزد این رفیق بسامانت بود و او این امانت را نگهداشت، امانت تعلق به حزب را علینرم همه توطئه‌ها و توهین‌ها و اتهامات و فساداری و صداقت نسبت بر ایهی که بآن اعتقاد داشت، نزد او بامانت بود، و او این امانت را حفظ کرد. مبلغ پرداختی البته اهمیت خود را دارد، ولی منادل معنوی و معنای سیاسی آنست که تمام ابعاد و اهمیت این عمل و نظایر آنرا نشان میدهد.

- از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم همراه ۱۰۰۰ ریال
- خداورد ۲۳۰۰ ریال
- فریده گوهری از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال
- دوست کارگر از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- زندگی از تهران ۵۰۰ ریال
- قائد از شیراز ۱۶۰۰۰ ریال
- مزدک از کازرون ۱۰۲۰۰ ریال
- آرش از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال
- دوست ۱۷۶، از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- روزبه کوچک از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- بچه‌های پل سیمان ۶۵۰۰ ریال
- ویک روزبه کوچک دیگر از تهران
- با چند خطی که خود نوشته است ۱۵۰۰ ریال
- روزبه ۱۲ ساله ۱۰۰۰ ریال
- علی‌اصغر مقدم ماهری ۱۰۰۰۰ ریال
- جمعی از رفقا توسط مقدم ماهری ۱۶۵۰ ریال
- وارطان ۲۰۰۰۰ ریال

بمناسبت ۱۵ خرداد که عزای عمومی اعلام شده است روزنامه مردم بجای چهارشنبه روز پنجشنبه منتشر می‌شود

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است، لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضای هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است، اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضای هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۳۴۵۹، ۹۳۳۴۵۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۴۳۴۴، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسن فاطمی (ایران نوین سابق).

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق